

واکاوی تجارب زیسته زنان شاغل اصفهانی از شیردهی

سعیده یراقی، کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه اصفهان، ایران*

سعیده الهی دوست، کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه اصفهان، ایران

علی ربانی خوراسگانی، استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

با ظهور دنیای مدرن و رواج مدرنیته، اشتغال زنان به مسئله‌ای چالش‌برانگیز تبدیل شده است. به طوری که برخی، حضور زنان در اجتماع را سبب تعالی و رشد زن و جامعه می‌دانند و برخی دیگر اشتغال زنان را، عاملی برای دورشدن مادران از وظایف همسری و مادری برمی‌شمارند. مادربودن با تولد فرزند معنا می‌یابد و تغذیه با شیر مادر سبب تکامل جسمی و روحی کودک و مادر می‌شود. این مقاله بر آن است تا تجارب زیسته زنان شاغل در اصفهان از قوانین شیردهی را واکاوی کند. پژوهش به شیوه پدیدارشناسی انجام شده و روش به کار گرفته شده در آن، کیفی است. برای این منظور با روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۶ نفر از زنان شاغل متأهل دارای فرزند با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و درباره آنها مصاحبه عمیق انجام شد. یافته‌ها در ۲۵۶ کد توصیفی و ۲۴ کد تفسیری مقوله‌بندی شدند و در نهایت ۶ کد تبیینی استخراج شد که عبارت‌اند از: خانواده حمایت‌کننده، الگوهای شغلی، الگوهای شخصیتی، جایگزین مادر، بر هم کنش‌های کار-خانواده و محیط کار بدون حمایت. تجارب شرکت‌کنندگان در این مطالعه نشان می‌دهند اشتغال زنان بر شیردهی آنان تأثیر دارد. به طوری که بیشتر مصاحبه‌شوندگان به سختی‌ها و مشکلات خود در شیردهی اذعان داشتند. همچنین قوانین حمایت از تغذیه با شیر مادر به درستی رعایت نمی‌شود. به طوری که بیشتر مادران قادر نیستند از پاس شیر استفاده کنند و در برخی موارد برخلاف میل درونی مجبور به استفاده کردن از شیر خشک می‌شوند. **واژه‌های کلیدی:** اشتغال زنان، شیر مادر، تعارض کار-خانواده، روش کیفی، قوانین شیردهی

مقدمه و بیان مسأله

خانواده به‌منزله نخستین گروه و مادر به‌منزله محوری‌ترین عضو خانواده، نقشی اساسی در سلامت اعضای خانواده به عهده دارند. حراست از فرزندان به‌طور غریزی همزمان با ولادت هر کودک، فرض مسلمی در اولویت‌های هر خانواده محسوب می‌شود (ساروخانی و قریب، ۱۳۹۳). تغذیه با شیر مادر یکی از عوامل مهم ارتباطی بین مادر و کودک در بدو تولد و پس از آن است و شالوده‌مناسبی برای سلامتی جسمی و روحی کودک در آینده محسوب می‌شود (مجلی و همکاران، ۱۳۸۸؛ چرزی و همکاران، ۱۳۸۹؛ Mohamad Farymany, 2002; Beigy et al., 2008).

براساس مطالعات انجام‌شده یکی از عوامل تأثیرگذار بر شیردهی مادران اشتغال مادر است (الهی‌دوست و همکاران، ۱۳۹۲). با توسعه شهرنشینی و تحول زندگی اجتماعی، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی رو به رشد است. بسیاری بر این باورند که اشتغال زنان با اخلاق جامعه منافات دارد و برخی نیز معتقدند اشتغال زنان موجب می‌شود آنان به وظایف همسری و مادری کمتر توجه کنند. همچنین سبب افزایش طلاق می‌شود و نسل آینده از آن آسیب می‌بینند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۵۹).

بخش عمده‌ای از زنان شاغل به‌دلیل جدایی کار از خانواده قادر نیستند به‌صورت همزمان وظایف و فعالیت‌های شغلی و خانوادگی را انجام دهند. تقریباً همه پژوهش‌هایی که در حوزه رابطه متقابل کار-خانواده انجام شده‌اند، به این مطلب اشاره کرده‌اند که تعارض کار-خانواده قادر است بر کیفیت زندگی شغلی و خانوادگی تأثیر منفی بگذارد، میزان رضایت فرد از زندگی را پایین بیاورد، سبب پریشانی‌های خانوادگی و شغلی شود و در کل افسردگی و ضعف سلامتی را در شخص ایجاد کند (رستگارخالد، ۱۳۸۵: ۳۵؛ سفیری و زارع، ۱۳۸۵: ۴۲)؛ اما در برخی مطالعات انجام‌شده بر اهمیت تکثر نقش‌ها و تأثیر مثبت آن در ارتقای وضعیت روحی و جسمانی زنان تأکید شده است (احمدنیا و کامل، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

مطالعات نشان داده‌اند شیردادن زنانی که در طی سال اول

تولد فرزندشان به کار بازمی‌گردند، زودتر از زنانی متوقف می‌شود که کار بیرون از منزل ندارند. یکی از بزرگ‌ترین موانع شیردهی، کار بیرون از منزل مادران است. مطالعات نشان می‌دهند شیردهی مادرانی که خارج از منزل کار می‌کنند تا زمانی که هنوز به کار برنگشته‌اند، با مادران خانه‌دار برابر است؛ اما پس از برگشت به کار شیردادنشان به‌طور فاحشی کاهش می‌یابد (قطبی، ۱۳۸۷).

تغذیه با شیر مادر نقشی تعیین‌کننده در تکامل جسمی و روحی کودک بر عهده دارد (کلیشادی و هاشمی‌پور، ۱۳۸۴؛ وفا و همکاران، ۱۳۸۷؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ کلانتری و شناور، ۱۳۸۹؛ اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ نیک‌پور و همکاران، ۱۳۸۸)؛ ازاین‌رو، ترویج تغذیه با شیر مادر سبب کاهش بیماری‌ها و افزایش سلامت افراد در آینده می‌شود. ازطرفی امروزه مادران زیادی به کار بیرون از خانه اشتغال دارند. اگرچه در محیط کار قوانین حمایتی از تغذیه با شیر مادر وضع شده است، خروج زنان از منزل بر شیردهی آنها تأثیرگذار است؛ ازاین‌رو، این پژوهش قصد دارد تجارب زیسته زنان شاغل اصفهانی از شیردهی را بررسی و واکاوی کند.

چارچوب تجربی پژوهش

پژوهش‌های داخلی

احمدی‌فراز و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی که به روش پدیدارشناسی انجام شده است، تجارب زنان شاغل پیرامون نقش مادری را تبیین کرده‌اند و نشان داده‌اند قبول نقش‌های متعدد همسری، مادری و شغلی در زنان شاغل سبب به‌وجودآمدن انتظارات نقشی گوناگون و اجبار در پاسخگویی به آنها شده است. ایفای این نقش مهم در مادران شاغل با تحمل سختی‌های فراوانی همراه است که ممکن است بر سلامت جسمی و روانی آنان تأثیر بگذارد.

نتایج پژوهش ابوالقاسمی و مرقاتی‌خوبی (۱۳۹۰) نشان می‌دهند شاغل‌بودن مادر، از عوامل بازدارنده ترویج تغذیه با شیر مادر است.

نتایج پژوهش خیاطی (۱۳۸۶) نشان می‌دهند مدت

شیردهی با شغل مادر ارتباط منفی دارد.

حاجیان (۱۳۸۰) الگوی شیردهی مادران در شهرستان بابل را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش که به روش کمی روی ۶۰۰ مادر شهری و روستایی انجام شده است، نشان‌دهنده موفقیت شیردهی مادران به‌ویژه مادران روستایی است. همچنین بیان‌کننده این نکته است که ارتقای بیشتر تغذیه با شیر مادر به آموزش‌های پیش از زایمان (به‌ویژه در مادران شهری و نخست‌زا)، توجه به مسائل روانی مادران، فراهم کردن تسهیلات لازم، مرخصی زایمان و دوران شیردهی در مادران شاغل و پیروی از فرهنگ و سنت‌های ملی بستگی دارد.

پژوهش‌های خارجی

نتایج مطالعه انجام‌شده توسط اسپیبی و همکاران^۱ (۲۰۰۷) با روش پدیدارشناسی نشان می‌دهند مادرانی که آموزش می‌دیدند به سبب حمایت‌شدن و اطلاعاتی که دریافت می‌کردند، توانایی بهتری برای غلبه بر مشکلات شیردهی داشتند.

مقاله ریپی‌یانگ و نونان^۲ (۲۰۱۲) نشان می‌دهد مادرانی که طول مدت بیشتری کودک خود را با شیر مادر تغذیه می‌کنند، نسبت به مادرانی که کودک خود را مدت زمان کوتاه‌تری با شیر خود تغذیه می‌کنند یا با شیر خشک تغذیه می‌کنند، درآمد کمتری دارند که این امر نشان‌دهنده نابرابری جنسیتی در محیط خانه و کار است.

عبارت اصلی به‌دست‌آمده در پایان‌نامه انجام‌شده توسط استوارت‌گلن^۳ (۲۰۱۲) «وجود تعارض» بود و مشارکت‌کنندگان با تعارضات عاطفی، اجتماعی و فیزیکی روبه‌رو بودند. این مطالعه نتایج مطالعات قبلی را تأیید می‌کند؛ نتایجی مبنی بر اینکه محیط کار از مادران شیرده حمایت‌چندانی نمی‌کند و هنگامی که مادر سعی می‌کند هم مادر خوب و هم کارمند خوب باشد، تعارضات افزایش می‌یابد.

مطالعه انجام‌شده به روش پدیدارشناسی توسط بلینتکسن و همکاران^۴ (۲۰۱۱) در توصیف تجارب شیردهی، نشان می‌دهد ایده‌آل‌های تغذیه با شیر مادر با سختی‌هایی همراه است و تقسیم مسئولیت‌ها در ارتباط با کودک در موفقیت در تغذیه با شیر مادر مؤثر است. همچنین اشتغال و شیردهی سبب ناهماهنگی در زندگی زنان و تغییر در نقش آنان می‌شود.

مطالعه ظفر و گوینو^۵ (۲۰۰۸) درباره زنان شاغل پرستار، سبب کشف تجارب شیردهی این دسته از زنان شده است. نتایج نشان می‌دهند با وجود آنکه آنان از اهمیت و ارزش شیر مادر اطلاع کافی دارند، تنش‌های شغلی اجازه عمل به این وظیفه را به آنان نمی‌دهد.

چنانچه پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی نشان می‌دهند شیردهی مادران شاغل با مشکلاتی روبه‌روست. در کشور ما بحث اشتغال و مشکلات زنان شاغل طی چند دهه اخیر مطرح شده است و پژوهش‌های کمی مسائل و مشکلات زنان شاغل را مطرح کرده‌اند. در کشورهای دیگر اگرچه سال‌هاست اشتغال زنان و مسائل پیرامون آن مطرح شده است، همچنان زنان در هماهنگی فعالیت‌های شغلی، خانوادگی و مادری با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. جمع‌بندی پژوهش‌های خارجی نشان می‌دهند محیط‌های شغلی در بیشتر مواقع حمایت‌کننده نیستند و مادران برای شیردهی با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند. بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد اگرچه پژوهش‌هایی در زمینه شیردهی مادران انجام شده است، زمینه‌های اجتماعی مسئله کمتر بررسی شده‌اند. از طرفی پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کمی‌اند و متغیرهای پنهانی و تجارب مادران از شیردهی‌شان را بررسی نکرده‌اند؛ از این رو، با توجه به اینکه مطالعات کیفی، زمینه‌ای را برای کشف متغیرهای بررسی‌نشده در بستر طبیعی و تجارب افراد مطالعه‌شده فراهم می‌کنند و اوضاع و شرایط کنونی را تحلیل و پیشنهادهایی را ارائه می‌کنند، استفاده از این روش

^۱ Spiby et al.

^۲ Rippeyoung & Noonan

^۳ Stewart-Glenn

^۴ Belintxon et al.

^۵ Zafar & Gavino

فرزندآوری یکی از مهم‌ترین اهداف ازدواج است؛ از این رو، همسری و مادری برای زنان دو نقش اصلی و اولویت‌دار است (علاسوند، ۱۳۹۰: ۱۱۲/۲-۹۷).

فمینیست‌ها خاطر نشان کرده‌اند که باید بین قابلیت طبیعی بچه‌دار شدن و نقش طبیعی اجتماعی مادر تمایز قائل شد. مادر شدن تنها مفهومی ساخته و پرداخته اجتماع نیست؛ بلکه از نظر تاریخی نیز مفهومی خاص دارد. به این معنا که هویت اصلی و مشغولیت عمده زنان پنداشته شده است (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

کرافت معتقد بود رشد علمی و عقلانی زنان به آنان کمک می‌کند همسران و مادران بهتری باشند. در واقع، او نقش مادری را می‌ستود؛ اما سیمون دوبوار و شولامیت فایرستون معتقد بودند برچیدن بساط مادری به شکل کنونی‌اش، عامل مهمی در تغییر جامعه است. فمینیست‌های لیبرال تقدس نقش مادری را ساختگی و عاملی مهم در پیدایش مشکلات مربوط به این نقش برای زنان به شمار می‌آورند. فمینیست‌های سوسیالیست معتقدند مادری از آن جهت مشکل‌ساز است که قدرت اقتصادی به دست مردان است و در این وضعیت اقتصادی زنان مادر می‌شوند. فمینیست‌های رادیکال نگاهی دوگانه به مادری دارند. از نظر آنان مادری هم منبعی از ارزش‌ها و ویژگی‌های خاص زنان و هم شکلی از سرکوب آنان است که مردسالاری آن را نهادینه کرده است. گروهی از فمینیست‌ها به دلیل اعتقاد به تفاوت‌های ذاتی بین زن و مرد، برای زن بودن و مادر بودن ارزش قائل‌اند. آنان اخلاق مراقبت را اخلاق زنانه یا مادرانه می‌دانند. کارل گیلیکان ارتباط خوب میان مادر و فرزند را الگوی اطمینان‌بخش هر ارتباط می‌داند (علاسوند، ۱۳۹۰: ۱۱۳/۲-۱۱۵).

• نظریه آسیب‌شناسی روانی

تعارض‌ها و انتظارات نقش جنسی به‌طور معمول حس خود کاذب به بار می‌آورند؛ یعنی از زنان انتظار می‌رود همیشه خانم باشند، هرگز ناسزا نگویند یا عصبانی نشوند، مردان را خشنود کنند و آنان را شکست ندهند. بعد از سال‌ها زندگی

راهکارهای جدیدی برای ارتقای تغذیه با شیر مادر ارائه می‌کند.

چارچوب مفهومی پژوهش

در این بخش از مقاله برخی نظریه‌های مطرح در حوزه مادری، خانواده، فمینیست، آسیب‌شناسی روانی و فشار و تعارض نقش ارائه شده است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر به روش پدیدارشناسی انجام شده است، از این نظریه‌ها می‌توان به‌منزله راهنمای نظری برای تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد موضوع مطالعه‌شده یا به عبارت دیگر ارتقای حساسیت نظری (استراوس و کوربین، ۱۳۷۷) در پژوهش استفاده کرد. در این قسمت برخی از مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط برای هدایت کردن اهداف پژوهش آورده شده‌اند:

• نظریه‌های مادری و فمینیست

مادری انجام مجموعه‌ای از کارها برای فرزندان است؛ بنابراین، مادری با فرزندارشدن معنا می‌یابد. مادران همزمان با بارداری خود احساس مسئولیت ویژه‌ای می‌یابند. این احساس با زایمان و در مراحل رشد کودک گسترش می‌یابد. مراقبت، حمایت، محبت، بازی و تربیت سلسله‌اموری‌اند که مادران در ارتباط با فرزندان خویش انجام می‌دهند. زمانی که مادری فرزند خود را شیر می‌دهد، او را از غریزه مادری، محبت آمیخته با آن و برکات تماس بدنی نیز بهره‌مند می‌کند. براساس روایات، هر شیری که به فرزند نوشانده شود از شیر مادرش بابرکت‌تر نیست؛ بنابراین، هم از نظر ویژگی‌های روانی و هم از نظر قوای بدنی، زنان برای مادری آماده‌اند. احساس مادرانه پرورش و مراقبت از کودکان در همه زنان به ودیعه نهاده شده است. هورمون پرولاکتین را هورمون محبت مادری می‌نامند که بر اثر آن، زن قدرت لازم برای هرگونه فداکاری درباره فرزندش را به دست می‌آورد؛ بنابراین، همدلی کردن و شیوه مادری زنان امری ذاتی است. از طرفی وضعیت برتری اخلاقی زنان به آنها این احساس رضایت را می‌دهد تا علیه موقعیت مادری شورش نکنند. در متون دینی اسلامی

دارد که تقریباً شبیه صفات و شیوه رفتار مردان است. این وضع در زندگی بسیاری از زنان مشکلات بزرگی را به وجود می‌آورد (اتوکلابنبرگ، ۱۳۸۶: ۴۲۹/۲).

آندره میشل معتقد بود مادری، خانه‌داری و همسری، نقش‌هایی‌اند که زنان در حوزه خانوادگی بر دوش می‌گیرند. گاهی به این نقش‌ها، نقش‌های اجتماعی افزوده می‌شود. انجام همه این کارها با هم، گرانبار و نیازمند صرف انرژی فراوان و مدیریت شایسته است. در موارد بسیاری انسجام آنها با یکدیگر تداخل پیدا می‌کند و موجب تعارض‌های گوناگون در زندگی زنان می‌شود. میشل با مطالعات خود در کشورهای مختلف نتیجه می‌گیرد حتی اگر زن در بیرون از خانه کار کند، سنگین‌ترین وظایف مربوط به کار خانه را بر دوش دارد و شوهرش در کار خانه به او یاری نمی‌رساند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۷۱). بیوم^۱ (۱۹۷۱) معتقد است احساس گناه، نگرانی و اضطراب زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است (به نقل از جمشیدی، ۱۳۸۱: ۴۶).

پارسونز خانواده را بخشی از نظام کل جامعه می‌داند که بر مبنای تفکیک نقش‌های جنسی بنا شده است. تخصص و تفکیک نقش‌ها به حفظ نظام خانوادگی و وحدت آن کمک می‌کند و مبنای اجتماعی کردن کودک است. مرد رییس خانواده و نقش نان‌آور را بر عهده دارد و زن نقش بانوی خانه را ایفا می‌کند. نقش اقتصادی مرد و شغل او تعیین‌کننده‌ترین پایگاه حقوق خانواده و نقش اصلی مرد در جامعه است و خانه‌داری اساسی‌ترین فعالیت و نقش زن است. زن مدار زندگی خانوادگی است. از دیدگاه او تفکیک جنسیتی نقش‌ها در شکل‌گرفتن شخصیت کودک نقش قاطعی دارد. پسر خود را با پدر همانند می‌کند و دختر به مادر تاسی می‌جوید. اشتغال زن علاوه بر آنکه موقعیت عاطفی زن در خانواده را متزلزل می‌کند، به سبب رقابت شغلی زن با شوهر سبب ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود (ریترز، ۱۳۷۷: ۴۶۶).

آبوت نیز به ترک بازار کار توسط زنان شاغلی اشاره می‌کند که کودکان خردسال دارند یا دوران بارداری و زایمان

در چنین شرایطی، خشم و ناکامی در زنان متراکم می‌شود و بیشتر به صورت رفتارهای خودویرانگر بروز می‌کند (پروچسکا و نورکراس، ۱۳۸۹: ۴۹۶). ناراحتی نهان مادران ناشی از استرس‌هایی است که از حمایت‌نکردن جامعه از تغییر نقش‌های آنها نشئت می‌گیرد. امروزه زنان وارد نقش‌های تازه‌ای شده‌اند و استقلال بیشتری کسب کرده‌اند؛ ولی از آنجا که جامعه از تغییرکردن همراه با آنها اکراه دارد، مانع موفقیت آنها می‌شود. زنان در نقش‌های شغلی جدید حق انتخاب کمی برای مراقبت از فرزندان دارند، شوهران آنها مایل نیستند در فرزندپروری و مسئولیت‌های خانه‌داری با آنها هم‌شان باشند و کارفرمایان معدودی تمایل دارند نوبت‌های کاری انعطاف‌پذیر برای آنها قائل شوند. فشار و تلاش برای برقرارکردن توازن بین کار و خانه‌داری سبب شده است زنان بسیاری گرفتار اضافه‌بار نقش و فشار نقش شوند. فشار نقش عبارت است از فشارهای متضاد نقش‌های متفاوت. تعارض نقش یعنی برخورد نقش‌ها با هم. مثل زمانی که عناصر موجود در مادر خوب بودن با عناصر دانشجوی خوب بودن در تعارض قرار می‌گیرند. فشارهای نقش اجازه نمی‌دهند فرد وظایف نقش‌های دیگر را انجام دهد. بسیاری از زنان به دلیل سپردن فرزندانشان به مهد کودک، احساس می‌کنند باید بین مادر خوب بودن و داشتن یک شغل بامعنی و هدفمند، یکی را انتخاب کنند (پروچسکا و نورکراس، ۱۳۸۹: ۵۰۸).

• نظریات نقش

ازلحاظ تفاوت‌های جنسی، نقش‌هایی که به زنان و مردان در جوامع مختلف سپرده می‌شود، متفاوت است. نتایج مطالعه کوماروفسکی نشان می‌دهند میان دو نقشی که در آن واحد به دختران محول شده است تعارض آشکاری وجود دارد: نقش نخستین که نقش زنان نامیده می‌شود زنان را ناگزیر می‌کند حساس‌تر و ملایم‌تر از مردان باشند و سلطه‌جویی و ستیزه‌جویی آنها کمتر باشد و پیش مردان خود را دلربا جلوه دهند و به زناشویی و کودکان علاقه‌مند باشند. نقش دوم که نقش جدید نامیده می‌شود از زن صفات و شیوه رفتاری توقع

^۱ Byiom

با وجود افزایش تحصیلات و مهارت‌های زنان در دهه‌های اخیر، در اقلیت قرار دارند. این دسته از زنان بر فعالیت‌های رقابتی تمرکز می‌کنند، زندگی خانوادگی آنها پیرامون کار است و بسیاری از آنها بدون بچه می‌مانند؛ اما بیشتر مردان کارمحورند؛ از این رو، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که مردان بیشتر در مشاغل تجارت، سیاست و دیگر مشاغل رقابتی باقی می‌مانند؛ زیرا تنها اقلیت زنان در شرایط یکسان با مردان آمادگی برای اولویت‌دادن به کارشان را دارند. زنان خانه‌محور یا خانواده‌محور نیز در اقلیت‌اند. اینگونه زنان پس از ازدواج با بهادادن به زندگی خانوادگی، ترجیح می‌دهند کار نکنند. مگر اینکه مشکلات مالی برای آنان به وجود آید. این سه دسته زنان در ارزش‌ها، اهداف و روحیه با یکدیگر متفاوت‌اند (Hakim, 2000: 355).

جهانی‌شدن فرهنگی به واسطهٔ وسایل ارتباط جمعی جدیدی که در اختیار دارد، نظام‌های ارزشی، نظام‌های معنایی و شیوه‌ها و سبک زندگی جوامع را دگرگون کرده است؛ برای مثال می‌توان به تغییر نوع نگاه به فرزندآوری اشاره کرد. در اوضاع و احوال کنونی گرایش‌های جهانی‌ساز نهادهای مدرن پایه‌پای تحولات و دگرگونی‌های متعدد در حوزه‌های گوناگون زندگی روزمرهٔ اجتماعی حرکت کرده‌اند و در نهایت، حتی بر حوزهٔ فعالیت‌های شخصی و خصوصی افراد نیز تأثیر عمیق بر جای گذاشته‌اند. در جوامع گذشته مردم کشاورزی، فرزند زیاد و فامیل گسترده را افتخاری برای خود می‌دانستند؛ اما در دنیای امروزی، زنان با کسب آگاهی در زمینه‌های تنظیم خانواده و شیوه‌های پیشگیری از بارداری، به دنبال ایده‌آل‌های زندگی، رفاه بیشتر و در نتیجه فرزند کمترند. گیدنز در این رابطه از اصطلاح «تجربهٔ واسطه‌ای» استفاده می‌کند که منظور از آن فناوری‌های جدید پیام‌رسانی مانند تلفن و رایانهٔ شبکه‌دار شده و رسانه‌های جمعی چون روزنامه، سینما، رادیو، تلویزیون و نظایر آنهاست. در سایهٔ سپهر اطلاعاتی یادشده ارزش‌هایی چون رفاه فردگرایانه، سودجویی، طمع و آسایش خودخواهانه بین زنان و دختران سرتاسر جهان تبلیغ می‌شود (Giddens, 2006).

گیدنز در این زمینه بر این باور است که امروزه خانواده

را سپری می‌کنند. گرچه با تخصیص امکاناتی چند، ترک بازار توسط این زنان روزبه‌روز کمتر می‌شود، به دلیل مسئولیت‌های خانگی همچنان شمار مادرانی که شغل تمام‌وقت دائمی دارند، بسیار اندک است. مارتین و رابرتز نیز داشتن فرزند کوچک را دلیل اصلی کناره‌گیری زنان از بازار کار می‌دانند و مشاغل پاره‌وقت را مشاغلی ایده‌آل برای اینگونه زنان به شمار می‌آورند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۸۷-۱۸۶).

نخستین نظریه‌پردازان نقش غالباً به جنبه‌های منفی تعدد نقش توجه می‌کردند. به طوری که تعدد روابط با دیگران منبع فشار روانی و ناپایداری اجتماعی است و اضافه‌شدن هر نقش اضافی به منزلهٔ افزایش تقاضا برای زمان و انرژی شخص است و از آنجا که افراد انرژی و زمان کافی در اختیار ندارند، تنها قادرند به یک نقش در ازای کمرنگ‌شدن سایر نقش‌ها متعهد شوند. در این وضعیت رقابت بین نقش‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌شود و روابط بین مجموعه نقش‌های فرد و انطباق فرد با نقش‌های چندگانه‌ای که بر عهده گرفته است، دچار مشکل می‌کند. نتیجهٔ چنین وضعی فشار نقش است. بر این اساس ترکیب نقش‌های شغلی-خانوادگی تأثیر منفی بر هم دارد و چون فرد توانایی ندارد تقاضاهای هر دو نقش را ارضا کند، به اضافه‌بار و تعارض نقش دچار می‌شود؛ بنابراین، شخص برای اینکه به کار یا خانواده تعهد شدید پیدا کند باید از تعهد قوی به نقش دیگر صرف نظر کند که این موضوع به‌ویژه برای مادران شاغل که اشتغال تمام‌وقت دارند بیشتر صادق است و تأثیر منفی بر سلامت روانی و روابط اجتماعی آنها دارد (رستگارخالد، ۱۳۸۵: ۳۵).

کاترین حکیم در نظریهٔ ترجیح چنین توضیح می‌دهد که زنان در سه دستهٔ متفاوت سبک زندگی قرار می‌گیرند: ۱- زنان تطابق‌یافته ۲- زنان کارمحور ۳- زنان خانه‌محور. زنان تطابق‌یافته زنانی‌اند که ترجیح می‌دهند بین کار و خانوادهٔ خود بدون هیچ‌گونه برتری ارتباط برقرار کنند. آنهایی که بعد از داشتن بچه به شغل نیمه‌وقت روی می‌آورند جزء این دسته‌اند. شغل‌های فصلی و موقت نسبت به مشاغل تمام‌وقت تعادل بیشتری بین کار و خانواده به وجود می‌آورند. زنان کارمحور،

از اشخاصی است که یک پدیده‌ای را تجربه کرده‌اند تا بتوانند براساس آن اطلاعات، به توصیفی مرکب از ماهیت آن تجربه از نظر آن افراد برسند (ایمان، ۱۳۸۸: ۲۷۷-۲۷۵). روش پدیدارشناسی درصدد درک لایه‌های عمیق معنایی تجربه زیسته برخی افراد درباره یک مفهوم یا پدیده است. این روش ساختار آگاهی در تجربه‌های انسانی را بررسی می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۸۶/۱).

سؤالات پژوهش

این پژوهش درصدد فهم عمیق تجارب زیسته زنان شاغل از قوانین حمایتی شیردهی در محیط کار است که در این زمینه پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

تجارب مادران شاغل از تغذیه با شیر مادر چیست؟

مشکلات مادران شاغل درباره تغذیه با شیر مادر چیست؟

به چه میزان محیط کار از تغذیه با شیر مادر حمایت می‌کند؟

آیا قوانین شیردهی در محیط کار به‌خوبی رعایت می‌شود؟

جامعه مطالعه شده و روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری هدفمند بود. فن‌های نمونه‌گیری هدفمند به‌طور عمده در روش‌های کیفی استفاده می‌شوند. در نمونه‌گیری هدفمند پژوهشگر ویژگی‌های جمعیت موردعلاقه را مشخص و افراد دارای این مشخصات را پیدا می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۲/۲). همچنین در بیشتر مطالعات پدیدارشناسی نمونه کمتر از ده نفر بوده است (حاج‌باقری، ۱۳۸۵: ۳۱). در این پژوهش با ۱۶ زن شاغل متأهل برای رسیدن به حد اشباع اطلاعات مصاحبه شد. معیار رسیدن به اشباع داده‌ها دسترسی‌ناداشتن به اطلاعات بیشتر و غیرتکراری در مصاحبه‌های بعدی بود.

ابزار مطالعه

شیوه گردآوری داده‌ها در این مطالعه مصاحبه عمیق بود و مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه‌ساختاریافته انجام شد. چک‌لیستی از موارد مصاحبه در اختیار پژوهشگر قرار گرفت تا فرایند

دچار دگرگونی‌هایی شده است که در کشورهای غربی و صنعتی این دگرگونی‌ها پیشروی کرده‌اند و به‌مرور زمان در حال جهانی‌شدن‌اند. او باور دارد که امروزه داشتن فرزند یک هزینه بزرگ اقتصادی است. به همین دلیل تعداد فرزندان هر خانواده به‌طور میانگین به ۱/۲ کاهش یافته است که کمترین میانگین در طول تاریخ بشر است. از نظر او امروزه داشتن فرزند نسبت به گذشته، بیشتر تصمیمی عاطفی است و ما در عصری زندگی می‌کنیم که می‌توان آن را عصر طلایی فرزند یا عصر فرزند عزیز نامید. این در حالی است که در گذشته، فرزندان به‌منزله اعضای اصلی اقتصاد خانواده مطرح بودند و فرزند زیاد به‌ویژه داشتن فرزند پسر، برای کسب درآمد بیشتر یا دفاع از خانواده در تعارضات و تنازعات قدیمی و قبیله‌ای یک ارزش به‌شمار می‌رفت (Sheikhi, 2003).

همچنین نگرش نقش جنسیتی زن و مرد به ترتیب خانه‌داری و نان‌آوری بوده و تغییر کرده است. زن بودن و مرد بودن از نظر وظایف و هویت‌هایی که ایجاب می‌کند، معنای روشن و مشخص ندارد و امروزه زنان و مردان در چارچوب سرنوشتی که به‌واسطه نقش آنها از پیش تعیین شده است، زندگی نمی‌کنند. همچنین موقعیت زنان و روابط میان دو جنس مساوات‌طلب‌تر شده است (Giddens, 2006). امروزه زنان چندان خود را مکلف به فرزندآوری و تربیت آن نمی‌بینند و برای خود نقش‌ها و وظایف جدیدی قائل‌اند که در زمینه توسعه و پیشرفت فردی آنان است؛ به عبارتی، امروزه زنان فراتر از حوزه خصوصی و نقش مادری و همسری نقش بر عهده می‌گیرند و منابع هویت‌ساز آنان گوناگون شده است (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲).

روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه از روش پدیدارشناسی استفاده شده است که یکی از انواع روش کیفی است. هدف اساسی پدیدارشناسی کاهش تجربه‌های فردی به پدیده‌ای است که توصیف ماهوی آن به‌لحاظ جهانی و عمومی امکان‌پذیر شود؛ درواقع، در روش پدیدارشناسی، پژوهشگر به دنبال جمع‌آوری اطلاعات

استفاده‌شده در مصاحبه نزدیک است؛ پس از این مرحله تمامی ایده‌های به‌دست‌آمده در قالب یک توصیف بسیار مفصل از پدیده مطالعه‌شده، زیر عنوان کدهای تفسیری جمع‌بندی شد. این کدها مشتمل بر معانی داده‌شده به کدهای توصیفی است. در این مرحله ۴۵۶ زیرکد تفسیری استخراج شد که پس از ادغام آنها ۲۴ کد تفسیری به دست آمد. در نهایت در آخرین مرحله کدهای تفسیری به ۶ کد تبیینی تقلیل یافت.

یافته‌های پژوهش

بعد از جمع‌آوری عبارات به‌دست‌آمده از مصاحبه، آنها کدگذاری توصیفی و تفسیری شدند و در مرحله آخر ۶ کد تبیینی به دست آمد. کدهای تبیینی شامل این موارد است: خانواده حمایت‌کننده، الگوهای شغلی، الگوهای شخصیتی، جایگزین مادر، بر هم کنش‌های کار - خانواده، محیط کار بدون حمایت.

خانواده حمایت‌کننده

این کد تبیینی نشان‌دهنده جایگاه باارزش خانواده در جامعه و کارکرد حمایتی آن است و ۳ کد تفسیری دارد که عبارت‌اند از: محبت و صمیمیت در محیط خانواده، همسر حمایت‌کننده و نقش حمایتی مادر بزرگ. در ادامه این موارد تبیین می‌شوند: محبت و صمیمیت در محیط خانواده: یکی از مهم‌ترین عملکردهای خانواده ارضای نیاز عاطفی اعضای آن است. داشتن آگاهی و توانمندی مدیریت در این زمینه یکی از ویژه‌ترین وظایف اعضای خانواده است. منصوره (کارشناسی ارشد) چنین بیان می‌کند:

«... در رابطه با همسر بیشتر از لحاظ عاطفی برایش

مهمه. خیلی با هم صحبت می‌کنیم. اون تایم‌هایی که

با هم هستیم با هم صحبت می‌کنیم...».

نقش حمایتی مادر بزرگ: در سال‌های اخیر به دلیل تغییر در بافت اجتماعی و استقلال بیشتر زوجینی که تازه ازدواج کرده‌اند و به دنبال آن جدایی محل زندگی والدین از فرزندان

مصاحبه به‌طور پیوسته کنترل شود. مصاحبه‌ها بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه طول کشید و مکالمات با استفاده از دستگاه ضبط صوت، ضبط و سپس لغت‌به‌لغت روی کاغذ پیاده شد.

اعتبار پژوهش

سابقه بحث از مسائل مربوط به اعتبار در پژوهش کیفی به بیش از نیم قرن می‌رسد. در خلال چند سال اخیر دو رهیافت متفاوت درباره مسئله اعتبار در ادبیات پژوهش کیفی ظهور یافته است که یکی از آنها، رهیافت «مذاکره‌ای» مبتنی بر تعامل فعال بین پژوهش و مشارکت‌کنندگان در آن با استفاده از مجموعه‌ای از رویه‌هاست. اعتبار اعضا^۱ زمانی اتفاق می‌افتد که یک پژوهشگر نتایج میدانی برگرفته را به اعضا برمی‌گرداند تا درباره کفایت آن داوری کنند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۹۷/۲). در این پژوهش نیز برای قابلیت اعتبار اظهارات شرکت‌کنندگان پس از تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، پژوهشگر دوباره به آنان مراجعه و درستی مطالب را با نظر آنان بررسی کرد و در برخی موارد اصلاحات را انجام داد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مطالعه داده‌ها با استفاده از روش ۷ مرحله‌ای کولایزی (استراوس و کوربین، ۱۳۷۷؛ محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۸۰) تجزیه و تحلیل شدند. ابتدا متون کلیه مصاحبه‌های انجام‌شده با دقت مطالعه شد تا فهم کاملی از عقاید، تجارب و اظهار نظر شرکت‌کنندگان فراهم شود. در دومین گام جملات و عبارات اصلی استخراج شد. در مرحله سوم تلاش شد تا معانی هر جمله درک و فرمول‌بندی و دسته‌بندی شود و به‌صورت مجموعه‌ای از مفاهیم و معانی درون خوشه‌هایی دسته‌بندی شود. بر این اساس پس از دسته‌بندی و تلفیق کدهای تکراری و تشکیل دسته‌بندی‌های جدید ۴۵۶ کد استخراج شد. این معانی فرمول‌بندی‌شده به‌صورت خوشه‌هایی از موضوعات، دسته‌بندی شدند که در این پژوهش به‌منزله مفاهیم (کدهای توصیفی) یا کدهایی شناخته می‌شوند که بیشتر به اصطلاحات

¹ Member Validation

آسیب‌هایی را از جمله تأخیر در ازدواج و فرزندآوری به دنبال داشت. اعظم (۳۲ساله) در این زمینه چنین بیان می‌کند:

«...ما هیچ وقت زنی نداشتیم که بیکار باشه که کارش فقط پخت‌وپز و تمیزکردن خونه و شستن بچه‌ها باشه... یه زن باید چندبعدی باشه؛ هم باید بتونه کمک شوهرش باشه، هم بتونه مادر خوبی باشه، خودش رشد پیدا کنه... الان یه اتفاق بدی افتاده که زنای ما یا می‌رند در یه محیطی مشغول کار می‌شند یا در خونه می‌موندند و فسیل می‌شند که هر دوی اینها اشتباهه. به نظر من باید یه تداخل کاری صورت بگیره که هم زن بتونه یه فرصت اشتغال داشته باشه هم به تربیت فرزند پردازده».

انگیزه‌های شغلی: آنچه از تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان در زمینه انگیزه‌های اشتغال به دست آمد، شامل استقلال مالی و انگیزه‌های غیرمالی است. انگیزه‌های غیرمالی شامل علاقه به فعالیت‌های اجتماعی، پویایی و حرکت و خنثی‌نبودن، متفاوت شدن با زنان خانه‌دار، احساس مفیدبودن، ثبات شخصیتی و احساس وظیفه نسبت به جامعه است. اعظم (۲۸ساله، کارشناس) چنین می‌گوید:

«من آدمی که در جمع باشه یه کاری بیرون از خونه داشته باشه و احساس کنه برای جامعه مفیده را فکر می‌کنم خیلی بهتره تا اینکه فقط یه کار خونه یه پخت‌وپز و یه جاروکردن داشته باشه...».

وابستگی شغلی: یکی از مسائلی که سبب می‌شود زنان با وجود سختی‌ها و زحمات اشتغال بیرون از خانه باز آن را ترک نکنند، نوعی وابستگی روانی به بیرون‌بودن از خانه است. این مسئله درباره دختران جوانی که در زمان باروری‌اند و به دلیل نداشتن امنیت شغلی نمی‌توانند باردار شوند - زیرا شغل خود را از دست می‌دهند - بسیار اهمیت دارد. سپیده (۳۴ساله، کارشناسی‌ارشد) چنین می‌گوید:

«خیلی سخته واقعاً سخته. به نظر من خانم باید کار داشته باشه حتی اگه پاره‌وقت باشه؛ چون اگه بخواد به خونه محدود بشه من خودم افسردگی می‌گیرم».

نگرش مثبت به اشتغال زنان: به دلیل تغییرات بنیادی در فرهنگ جامعه، امروزه اشتغال زنان امری پذیرفته‌شده ازطرف

و ازطرفی افزایش اشتغال بیرون از خانه بین زنان، نقش مراقبتی و حمایتی مادر بزرگ و پدر بزرگ نسبت به نوه‌ها کمتر شده است؛ اما به نظر می‌رسد برای زنان شاغلی که فرزند دارند، به‌ویژه در سال‌های اولیه رشد کودک نیاز به حمایت مادر بزرگ‌ها بیشتر احساس می‌شود. حس اعتماد و آرامشی که در مادر از نحوه نگهداری فرزندش هنگام اشتغال ایجاد می‌شود، در کاهش خستگی‌های روحی او بسیار مؤثر است. در این رابطه منصوره (کارشناسی‌ارشد) چنین بیان می‌کند:

«وقتی سر کارم فرزندم پیش مادرم است. به نظر من بهترین کسی که می‌تونست از بچه‌ام نگهداری کنه، مامانم بودند. اگه مامانم نبود، سر کار نمی‌رفتم؛ یعنی بچه‌ام را مهد نمی‌گذاشتم».

همسر حمایت‌کننده: همسر نقش بسیار مهمی در حمایت جسمی و روانی از مادر دارد و با حمایت‌های خود از شیردهی، نگهداری و حتی اشتغال زن می‌تواند سبب تداوم شیردهی شود. الهام (کارشناسی‌ارشد) ابراز می‌دارد که:

«همسر تقریباً خیلی زیاد با من همکاری دارند. وقتی خسته از سر کار برمی‌گردم، پذیرش گرمی دارند. حالا در کارهای خانه بهم کمک بکنند، الان در نگهداری بچه هر کاری از دستشان بریاید. در رفت‌وآمد بیایند ببرند. تا حد امکان کاری که از دستشان برآمده برام انجام داده‌اند».

الگوهای شغلی

یکی از تجربه‌های زیسته مصاحبه‌شونده‌ها که در روند زندگی خانوادگی زنان شاغل تأثیر زیادی داشت، الگوهای شغلی بود. این کد تبیینی، ۴ کد تفسیری دارد که شامل این موارد است: مشاغل نیمه‌وقت و خانگی، انگیزه‌های شغلی، وابستگی شغلی و نگرش مثبت به اشتغال زنان. در زیر این موارد توضیح داده می‌شوند:

مشاغل نیمه‌وقت و خانگی: در گذشته فعالیت‌های شغلی زنان به فضای خانه و بیشتر بدون مزد و برای خود زن محدود بود. زنان از جمله کسانی بودند که تمایل به کار خارج از خانه و با دستمزدی هرچند اندک را داشتند. این مسئله سبب شد آنها از نقش همسری و مادری خود فاصله بگیرند که طبیعتاً

افراد جامعه است. نرگس (۲۸ساله) بیان می‌کند:
«با اشتغال احساس مفیدبودن دارم».

بر هم کنش‌های کار - خانواده

یکی از مسائلی که در زمینه اشتغال زنان در پژوهش‌های اجتماعی و روان‌شناختی مطرح شده است، تعارض کار - خانواده است. در این پژوهش این کد تبیینی ۴ کد تفسیری زیر را دارد: احساس گناه، زن حیران، محدودیت شغلی و لذت از خانه‌داری.

احساس گناه: زنان شاغل به‌ویژه زنانی که در شغل‌های غیرمنعطف مشغول به کارند، در بیشتر موارد با پدیده‌ای به نام احساس گناه روبه‌رو هستند؛ احساس گناه زمانی به وجود می‌آید که فرد کاری بر خلاف ارزش‌ها و باورهای خود انجام داده باشد. این حس در زنان شاغل یک نگرانی است که در اثر نبودن در کنار فرزندشان در آنها ایجاد می‌شود. زینب (دندانپزشک متخصص) چنین بیان می‌کند:

«احساس گناه دارم و پیش روان‌شناس رفتم. به شدت برای این موضوع نگران بودم از اینکه دخترم باید تمام هفته را دور از پدر باشد. عصر تا شب باهاش بازی می‌کردم که مبادا دچار کمبود بشه. آخه اون هیچ‌کس را به‌جز من نداشت».

این احساس گناه ممکن است سبب ایجاد اضطراب در زنان شاغل شود که هم در کیفیت کار آنها تأثیر منفی می‌گذارد و هم سبب می‌شود در روبه‌روشدن با فرزندشان مسیر صحیح را برای تربیت در پیش نگیرند. یکی از مسائلی که بر این مسئله تأثیر زیادی می‌گذارد، سن فرزند است. مواقعی که فرزند شیرخواره است، نیاز جسمی او به مادر زیادتر است و از آنجا که مادر شیرده احساس گرسنگی فرزند خود را هرچند در مکانی دیگر باشد به‌خوبی درک می‌کند، این امر اضطراب او را بیشتر می‌کند. ازطرفی در سنین مدرسه هم اگرچه نیاز جسمی به مادر کاهش می‌یابد، همچنان به وجود مادر نیازمند است. مریم (۳۹ساله، کارشناس) چنین بیان می‌کند:

«اصلاً این یک بحرانه که وقتی مادر سر کاره بچه‌اش

از مدرسه بیاد و در خونه تنها باشه و شما بالای سر این بچه نیستی و در سن بالا نمی‌تونی کنترلش کنی تو کوچو و خیابانون. خبر نداری این بچه اومد خونه نیومد خونه، این یک بحرانه و حداقل در کارهای دولتی کاهش ساعت کار باید باشه».

زن حیران: از آنجا که در فرهنگ اسلامی ایران بر اهمیت نقش مادری به‌منزله نقشی حیاتی و جایگزین‌ناپذیر تأکید می‌شود، این تعارضات و فشارهای ناشی از نقش‌های متضاد خانه و کار بیشتر به چشم می‌خورد. سارا (۳۹ساله، کارشناس) چنین بیان می‌کند:

«(درباره تداخل بین کار و وظایف خانه و مادری)، اختلالی ایجاد نشده بیشتر خودمو خسته می‌کنه؛ البته یاری خدا بوده؛ اما دارم فشار زیادی را روی خودم تحمل می‌کنم».

محدودیت شغلی: در این پژوهش با توجه به مشکلاتی که زنان شاغل با آن روبه‌رو بودند، مفهوم دیگری به دست آمد که زنان را با وجود توانمندی‌هایی که در عرصه عمومی دارند با محدودیت روبه‌رو می‌کند. این مسئله وقتی بیشتر حاد می‌شود که زنانی بدسرپرست یا بی‌سرپرست نمی‌توانند فرزندان خود را مهد ببرند؛ در عین حال محیط کار پذیرای فرزند آنها نیست و این زنان مجبورند برخی از شرایط خوب کاری را از دست بدهند. در حالی که مجبورند هزینه‌های زندگی را پرداخت کنند. سمیه در این زمینه می‌گوید:

«بیرون از خونه کاری نکردم. همه کارهای من توی خونه بوده؛ چون هیچ‌جا قبول نمی‌کردند بچه را ببرم. می‌گفتند بچه نباید باشه. در حالی که به سختی گذران زندگی می‌کردم و به شغل نیاز داشتم».

لذت خانه‌داری: در این پژوهش علاقه‌مندی به فعالیت‌های منزل بین زنان شاغل در دو طیف قرار دارد: برخی علاقه‌مند به این فعالیت‌ها بودند ولی بیان می‌کردند که وقت و انرژی کافی برای انجام آنها را ندارند و برخی اظهار بی‌علاقگی برای این نوع فعالیت‌ها داشتند و آن را فعالیت بی‌بهره می‌دانستند. نرگس (۲۸ساله) بیان می‌کند:

«انجام کارهای خانه رو آگه وقت داشته باشم، خیلی

دوست دارم. دوست دارم تمیز باشه. از آشپزی هم لذت می برم؛ اما وقت و انرژی کافی ندارم.»
ریحانه (پزشک متخصص) چنین بیان می کند:
«قبلاً انجام کارهای خانه برام تا حدودی لذت داشت؛ ولی الان اصلاً نمی تونم. واقعاً نمی تونم. برام سخته ظرف بشورم. احساس می کنم دارم وقت تلف می کنم. احساس می کنم کسی دیگری می تونه این خدمت پایین تر را انجام بده. من یک قسمت بالاتر را انجام بدم.»

الگوهای شخصیتی

یکی از کدهای تبیینی که در این پژوهش از تجربه زیسته زنان شاغل به دست آمد، الگوهای شخصیتی زنان شاغل است که جنبه شخصیتی زن شاغل را مطرح می کنند و براساس آن می توانند نسبت بین زن و اشتغال او را تعریف کنند. بدین معنا که زن قادر باشد با توجه به جنبه های مختلف شخصیتی خود و مسائل و مشکلات دنیای اشتغال بیرون از خانه به نوعی تعادل برسد. این مضمون ۵ کد تفسیری دارد: انعطاف پذیری و سازگاری با محیط، باور مادر نسبت به شیر مادر، باور مادر نسبت به شیر خشک، تجربه های مادری و مسؤلیت پذیری زیاد مادر که در ادامه توضیح داده می شوند:

انعطاف پذیری و سازگاری با محیط: شخصیت های سازگار می توانند با شرایط محیطی کنار بیایند و با آن به نوعی تعادل روحی - روانی برسند. چنین افرادی در شرایط مختلف زندگی انعطاف پذیری زیادی از خود نشان می دهند. یکی از مواردی که در اشتغال بیرون از خانه به مادران کمک می کند، این است که خودشان شخصیتی منعطف و سازگار داشته باشند. این امر هم به آرامش آنها در محیط کار کمک می کند و هم زمینه مدیریتی بهتری را برای فعالیت های منزل برای آنها فراهم می کند. زنان شاغلی که با همکاران خود در محیط کار سازگاری و سازش بهتری داشته باشند، می توانند از همکاری کردن آنها در مراقبت از فرزندانشان بهره ببرند. مریم (دکتر داروساز) بیان می کند:

«اون موقع هایی که ۳ ساعت سر کار بودم برای

شیردهی، بچه ام را همراه خودم می بردم و در محل کار شیر می دادم و خودم و همسرم و همکارانم هم همکاری می کردند و اونجا بچه ام را نگه می داشتم.»
باور مادر نسبت به شیر مادر: باورها و عقاید مادر نسبت به تغذیه با شیر مادر سبب می شود مادران با وجود سختی ها تغذیه با شیر مادر را انتخاب نکنند. نرگس (۲۸ساله) چنین بیان می کند:

«دلیلم برای شیر مادر به خاطر اینه که هم وزن خودم برگرده بعدش اون فوایدی که برای بچه داره. رابطه عاطفی که با بچه برقرار می کنی، بنیه اش خوب می شه و استخوان بندی اش؛ مریض نمی شه، تب نمی کنه. شیر مادر را خودم انتخاب کردم.»
اعظم (۲۸ساله) چنین بیان می کند:

«من خودم شیر خشک خوردم و احساس می کنم سیستم ایمنی بدنم اون جوری که باید باشه نیست. برای همین تصمیم گرفتم شیر خودمو بدم.»

باور مادر نسبت به شیر خشک: با وجود اهمیت شیر مادر، به دلیل نداشتن آموزش صحیح در این زمینه گاهی با باورهای غلطی در این زمینه روبه رو هستیم. زینب (داندانپزشک) بیان می کند:

«به نظر من زنان شاغل به ویژه در صنف خودمون از شیر خشک استفاده می کنند. دلیلش یکی راحتیشه که زمان زیادی بیرون از خونه باشند، یکی هم به خاطر همون استایل بدنه که فکر می کنند با شیردادن به هم می ریزه.»

تجربه های مادری: تجربه از جمله مواردی است که در مدیریت بهتر هر موضوعی راهگشای انسان است. تجربه زیسته مادرانی که بیش از یک فرزند داشتند نشان می داد برخی حساسیت ها در نگهداری از فرزند دوم نسبت به فرزند اول کاهش یافته بود و نگرانی های مادر کمتر شده بود. سارا (۳۹ساله، کارشناسی) بیان می کند:

«شیرم خیلی کم شده ولی نگرانش نیستم؛ چون تجربه دختر اولم را داشتم که کوچک تر بود ۴ ماهه بود که اوادم سر کارم.»

مراقب جانشین: زمانی که مرخصی زایمان به پایان می‌رسد (البته در مشاغل رسمی و گرنه در مشاغل غیررسمی که این مرخصی هم به مادر داده نمی‌شود) و مادر مجبور است به کار خود برگردد، باید بتواند فرزندش را در ساعت‌های اشتغال به فردی مطمئن بسپارد. در این پژوهش تجربه زیسته مادران شاغل نشان داد بیشترین افراد جایگزین برای مراقبت از فرزند شامل پدر، مادر بزرگ و پرستار بوده است.

مهد کودک: امروزه با افزایش اشتغال مادران و از طرفی به دلیل موج روبه‌افزایش آموزش‌های رسمی، تعداد مهد کودک‌ها رو به فزونی گذاشته است. اعظم (۳۲ساله) بیان می‌کند:

«هر دوی آنها پیش مادرم هستند. مهد نمی‌گذارم. هرچند به مدت به خاطر اینکه مادرم اذیت نشه گذاشتم، راضی نبودم و الان پیش مادرم هستند؛ چون اعتقاد دارم بچه‌ها باید از الان بچگی کنند. اگه زود آموزش‌ها شروع بشه در سن یادگیری دیگه یاد نمی‌گیره. همچنین فضای مهد با روحیات من سازگار نبود.»

محیط کار بدون حمایت

این کد تبیینی بیان‌کننده مجموعه شرایط نامساعدی است که زنان و مادران شاغل با آن روبه‌رو هستند؛ در واقع، نشان‌دهنده دسترسی نداشتن به منابع و نیروهایی است که بتواند به زنان شاغل در اجرای بهتر وظایف مربوط به همسری و مادری و شغلی آنها کمک کند. این مضمون در این پژوهش ۶ کد تفسیری دارد که عبارت‌اند از: اجرای نادرست قوانین شیردهی، وجود فاصله فیزیکی زیاد بین مادر و کودک، کوتاه‌بودن مدت مرخصی زایمان، کاهش شیر مادر شاغل، ناچاربودن در استفاده از شیر خشک و فرسودگی زنان شاغل. اجرای نادرست قوانین شیردهی: در زمینه زنان شاغل شیرده، قوانینی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است؛ ولی موضوع مهم در هر قانون، یکی این است که آن قانون متناسب با نیاز مخاطب خود باشد و دیگری ضمانت اجرای

این تجربه‌های مادری در چگونگی استفاده از شیر مادر در نبود او و نحوه نگهداری از شیر و دادن آن به شیرخوار کمک‌کننده است. منصوره (کارشناسی ارشد) بیان می‌کند: «من خودم اگه به بار دیگه تجربه داشته باشم برای بچه دوم تنها چیزی که اگه باز هم قرار باشه در دوران شیردهی سرکار برم، از همون روزهای اول به شیشه عادتش می‌دم؛ اما نه اینکه شیر خشکش بدم. با همان شیر خودم تا شیشه را بخوره؛ چون می‌خوام توی اون تایی که سر کارم بتونه حداقل شیر بخوره. اگه شیشه نخوره نمی‌تونم این کار را بکنم.»

مسئولیت‌پذیری زیاد مادر: قطعاً مادری وظیفه‌ای بسیار سنگین و مهم است که هیچ‌کس غیر از مادر شایسته انجام آن نیست. گاهی بودن در نقش یک مادر ایجاب می‌کند که مادر حتی از کنار برخی خواسته‌های خود رد شود و برای مدتی که فرزند نیاز بیشتری به او دارد، در کنارش باشد. الهام (کارشناسی ارشد) بیان می‌کند:

«اگه مجبور بشم نرم سر کار، خوب اگه مجبور باشم.... چون در درجه اول زندگی و بچه‌ام برام مهمه. یک مدتی همین اتفاق برام افتاد. با وجود اینکه پذیرفته شده بودم، سر کار نرفتم. قلباً ناراضی‌ام؛ اما شرایطی هست که آدم برخلاف میلش باید انجام بده. دیدم فعلاً پیش بچه‌ام بمونم بهتره. گفتم توکل به خدا ان شاء الله موقعیت کاری بهتری برام پیش بیاد که این موقعیت برام پیش اومد.»

جایگزین مادر

این مضمون بیان‌کننده کمک‌گرفتن مادر از افراد دیگر برای مراقبت از فرزند در ساعت‌های اشتغال است که شامل بستگان، دوستان، پدر فرزند، پرستار و مهد کودک می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که گاهی برخلاف میل مادر به دلیل اجبار اشتغال و نبودن شرایط مساعد کاری مادر مجبور است از برخی از این موارد تفویض نقشی استفاده کند. در این پژوهش این مضمون ۲ کد تفسیری دارد که شامل مراقب جانشین و مهد کودک می‌شود:

آن قانون است.

الهام (کارشناس ارشد) بیان می‌کند:

«در پرستاری پاس شیر به خانم‌های شیرده می‌دادند؛ ولی اون هم با اما و اگره بستگی داره حمایت محیط کار خیلی نه، حتی گاهی توقعات را بیشتر می‌کرد. بعضی دیدشان این بود که چرا این خانم باید پاس شیر داشته باشه... در هر صورت شغل من این‌طوری بود که مقداری همکاران مقاومت می‌کردند در مقابل پاس شیر. کافیه بگی به خاطر بچه‌ام می‌خوام این کار را انجام بدم. تازه جبهه می‌گیرند جلوت و می‌خواند مقاومت کنند یا کارهای دیگر را بهت محول کنند که نتونی انجام بدی. یکی از همکارام بارها واقعاً اشکش در می‌آمد به خاطر اینکه نمی‌داشتند از پاس شیر استفاده کنه. عملاً اوج کاری که خانم باید می‌رفت پاس شیر به کاری بهش محول می‌کردند که نمی‌تونست انجام نده.»

وجود فاصله فیزیکی زیاد بین مادر و کودک: یکی از محدودیت‌هایی که قانون مرخصی برای شیردهی در زنان شاغل ایجاد کرده، این است که زنان نمی‌توانند در عمل محیط کار را رها کنند؛ زیرا فاصله بین محیط کار با جایی که فرزندشان هست، زیاد است و مدت زیادی طول می‌کشد تا مادر به محیط کار برگردد و بدین صورت از ساعت مرخصی بیشتر می‌شود. همچنین گاهی وظایف شغلی مادر چنین ایجاب می‌کند که مادر نتواند کارش را رها کند. سارا (۳۹ساله) بیان می‌کند:

«حمایت در محیط کار همان یک ساعته که پاس شیردهی برامون در نظر گرفتند. تا ۲ سالگی که من به جای اینکه ساعت ۳ برم ساعت ۲ می‌رفتم؛ ولی این جوری هم نیست که اگر کسی بچه‌اش در مهد باشه بتونه بره و بیاد؛ چون از وسط کار نمی‌تونه بره.»

کوتاه‌بودن مدت مرخصی زایمان: یکی از مواردی که زنان شاغل در تجربه زیسته خود به آن اشاره می‌کنند، این است که ۹ ماه برای مدت مرخصی زایمان (اگر اجرا شود) کم است و اگر تا یک سال برسد مشکلات کمتری ایجاد می‌شود؛

زیرا هم کودک بزرگ‌تر شده است و هم اینکه دست‌کم تا یک سال شیر کافی خورده است. منصوره (کارشناس ارشد) بیان می‌کند:

«بهترین حمایت از زنان شاغل اینه که مرخصی زایمان بیشتر بشه. به نظر من نه ماه باز هم کمه؛ چون معمولاً شیر مادر یک سال اول خیلی مهمه. بعد از یک سال می‌گند وابستگی به شیر مادر باید کمتر بشه. به نظر من جاشه که ۱۲ ماه کامل باشه؛ یعنی تا یک سال را بچه شیر خورده باشه.»

کاهش شیر مادر شاغل: یکی از مسائلی که زنان شاغل را نگران می‌کند کاهش شیر آنان است؛ زیرا وقتی در زمان اشتغال شیر تخلیه نشود رو به کاهش می‌رود. ازطرفی استرس کار و نقش مادری و کاهش تغذیه مادر به سبب مشغله‌های زیاد بر کاهش شیر تأثیر دارد و این مطلب، دور معیوبی را به سمت کاهش شیردهی ایجاد می‌کند. نرگس (۲۸ساله) می‌گوید:

«به نظر من بین مادران شاغل ممکنه خیلی‌ها شیر خشک بدهند؛ چون پیش پرستار می‌گذارند و پاس شیر هم مگه چقدره؟ مجبور می‌شوند شیر خشک بدهند و یکی هم ترشح شیر وقتی ۱۰ ساعت شیر ندی کم می‌شه.»

ناچاربودن در استفاده از شیر خشک: بسیاری از زنان شاغل برخلاف میل باطنی‌شان به دلیل اشتغال مجبور به استفاده کردن از شیر خشک می‌شوند. این در حالی است که بیشتر آنها از مضرات شیر خشک هم آگاهی دارند و این آگاهی آنها را بیشتر دچار نگرانی و ناراحتی می‌کند. اعظم (۲۸ساله) می‌گوید:

«به نظر من اشتغال با شیردهی تداخل داره. از اینکه شیر خشک می‌دهم بله ناراحتم؛ ولی واقعاً چاره‌ای هم ندارم.»

فرسودگی زنان شاغل: این مضمون بیان‌کننده کاهش نیروی جسمی و روانی مادر شاغل در اثر کم‌توجهی به نیازهای خویش است. ازطرفی تحمل فشار کاری زیاد می‌تواند قوای فرد را تحلیل ببرد. همچنین بیشتر زنان شاغل

با موفقیت به پایان برسانند، از حمایت کافی برخوردارند. در سال‌های اخیر افزایش تحصیلات زنان و به دنبال آن اشتغال زنان سبب شده است اشتغال زنان در کشور ما به مسئله‌ای اجتماعی و چالشی جدی تبدیل شود. این پژوهش درباره‌ی زنان شاغل انجام شده است؛ از این رو، مسائل و مشکلات زنان شاغل را درباره‌ی شیردهی و اکاوی کرده است. بیشتر مشارکت‌کنندگان نگرش مثبتی نسبت به اشتغال خود داشتند؛ اما از طرفی در محیط کار محدودیت‌هایی در حمایت از مادران و شیردهی وجود دارد. مادران مطالعه‌شده در این پژوهش معتقدند قوانین شیردهی در محیط کار به درستی رعایت نمی‌شود. از طرفی چون فضای مناسبی برای نگهداری از فرزندان در محیط کار تعبیه نشده است، وجود فاصله زیاد بین محل کار و محل نگهداری فرزند سبب می‌شود مادران در عمل قادر نباشند از پاس شیر استفاده کنند.

بیشتر مادران به کوتاه بودن مدت مرخصی زایمان اشاره کرده‌اند. مادر باید در شرایطی به محیط کار برگردد که کودک همچنان به او وابسته است و با شیر مادر تغذیه می‌شود. از طرفی مادر به دلیل زایمان و شیردهی با ضعف جسمانی روبه‌روست و همین امر سبب کم شدن شیر مادر و در برخی موارد قطع شیردهی می‌شود. از سوی دیگر، تنش‌های روحی مادر در محیط کار و دوری از فرزند و کاهش دفعات شیردهی سبب کاهش شیر مادر می‌شود. قوانین مربوط به مرخصی زایمان و شیردهی، به صورت پیشنهاد مشترک مرکز امور زنان و خانواده و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وقت تدوین و به هیئت دولت ارائه شد. مدت مرخصی زایمان و شیردهی در این لایحه ۹ ماه و برای وضع حمل دوقلوها یا بیشتر ۱۲ ماه در نظر گرفته شده است. در این لایحه پیش‌بینی شده بود ساعت شیردهی برای مادرانی که نوزادشان هنوز یک‌ساله نشده است، ۲ ساعت و برای کودکان بالای یک سال تا ۲ سال، ۱ ساعت در نظر گرفته شود. همچنین در این لایحه مهد کودک‌های نزدیک محل کار کارکنان زن نیز لحاظ شده است. نتایج این پژوهش نشان دادند تجربه‌ی زیسته‌ی مادران شاغل بیان‌کننده این است که این قانون نقص‌هایی دارد و در

به دلیل فشار کاری مجبورند از بسیاری از تفریحات موردعلاقه خود دست بکشند. سارا (۳۹ساله) بیان می‌کند:

«من فکر می‌کنم از صبح زود که بیدار می‌شم تا ۱۲ شب که می‌خوابم یک‌سره دارم کار می‌کنم. {درباره تداخل بین کار و وظایف خانه} تداخلی ایجاد نشده بیشتر خودمو خسته می‌کنم؛ البته یاری خدا بوده؛ اما دارم فشار زیادی را روی خودم تحمل می‌کنم.»

نتیجه

تغذیه با شیر مادر یکی از اولویت‌های بهداشت عمومی در جهان است که از عوامل متعددی تأثیر می‌گیرد (پیمان و چارچیان خراسانی، ۱۳۹۵). از جمله این عوامل اشتغال مادر است. این پژوهش کیفی با هدف بررسی تجارب زیسته زنان شاغل در اصفهان از شیردهی انجام شد. کدهای تبیینی به دست آمده در این پژوهش شامل موارد زیر است: خانواده حمایت‌کننده، الگوهای شغلی، بر هم کنش‌های کار-خانواده، الگوهای شخصیتی، جایگزین مادر و محیط کار بدون حمایت.

در مطالعه انجام شده بیشتر مادران به نقش حمایت همسر به منزله عاملی در موفقیت شیردهی اشاره کردند؛ یعنی مادرانی که توانسته‌اند تغذیه انحصاری با شیر مادر داشته باشند، به همراهی و همکاری همسر خود در امر شیردهی و امور خانه اشاره کرده‌اند.

رابطه همسران به منزله عاملی در ایجاد آرامش روحی مادر نقشی تعیین‌کننده بر تغذیه با شیر مادر دارد (الهی دوست و همکاران، ۱۳۹۲). به طوری که مادرانی که سردی روابط عاطفی با همسران خود داشته‌اند یا با خشونت‌هایی از جانب همسر خود روبه‌رو بوده‌اند، با دشواری‌هایی در شیردهی روبه‌رو شده‌اند.

مادر بزرگ‌ها نیز نقشی تعیین‌کننده در تغذیه با شیر مادر دارند. به طوری که حمایت جسمی و روحی آنان از مادر و کودک سبب دلگرمی مادر و افزایش شیردهی مادران می‌شود. به طور کلی بیشتر مادرانی که موفق می‌شوند دوران شیردهی را

دارد (پیمان و چارقیچیان خراسانی، ۱۳۹۵). مادران مشارکت کننده در این پژوهش اعتقادات و باورهای بلندی نسبت به تغذیه با شیر مادر و استفاده نکردن از شیرخشک داشتند و همین سبب می شود آنها سختی ها را تحمل کنند.

پیشنهادها و راهکارها

تغییرات جهانی و به دنبال آن تغییرات در زندگی فردی و خانوادگی، زنان را با مسائل و نقش های جدیدی روبه رو کرده است. هم اکنون قشر وسیعی از زنان جامعه تحصیل کرده و خواستار اشتغال تمام وقت و نیمه وقت اند. از طرفی خانواده مثل گذشته انسجام کافی ندارد و خانواده ها از شکل گسترده به هسته ای تغییر کرده اند. مردان به دلیل مشغله کار، مسکن و... وقت کمتری را با خانواده خود می گذرانند. اشتغال زنان در بیرون از خانه و تغییر ساختار خانواده و به دنبال آن کاهش ارتباطات و حمایت از جمله عواملی اند که بر شیردهی مادران تأثیر می گذارند. زندگی امروزی و کاهش ارتباطات و حمایت های خانوادگی نیز زنان را برای انواع بیماری های روانی و افزایش استرس آماده می کند. در نتیجه زنان با مشکلات شیردهی روبه رو می شوند. مطالعه حاضر براساس یافته های به دست آمده، مجموعه راهکارهایی در زمینه های مختلف برای ارتقای تغذیه با شیر مادر در زنان شاغل ارائه می دهد:

۱) زمینه فردی: با تغییرات به وجود آمده در زندگی جدید و ایجاد نقش های جدید برای زنان، زندگی آنان نسبت به گذشته تغییرات اساسی پیدا کرده است. در این زمینه سه نکته چشمگیر وجود دارد:

الف) درباره زمینه فردی استقلال مالی برای اشتغال به نظر می رسد اگر هنگام ازدواج مهریه های متعارف تعریف شوند و زنان قادر باشند این مهریه ها را دریافت کنند، تا حد زیادی نیاز به استقلال مالی در زنان برطرف می شود. این امر ممکن است زمینه ای مثبت برای فرزندآوری فراهم کند.

ب) درباره زمینه فردی غیرمالی که می توان به نوعی همه آنها را در «مفیدبودن» خلاصه کرد، به یک برنامه ریزی فرهنگی

همه جا نیز اجرا نمی شود؛ از این رو، زنان در رویارویی با رعایت نشدن قوانین حمایتی از زنان شاغل به دو گونه عمل می کنند:

الف) محیط کار را ترک می کنند که اگر این عمل در اثر اجبار باشد، سبب ناکامی و افسردگی در زنان می شود. این مسئله در صورتی که با شناخت و بصیرت و انتخاب آگاهانه همراه باشد - یعنی یک مادر وظیفه تربیت و رشد فرزند را فراتر از یک فعالیت اجتماعی بداند - مسئله ای را ایجاد نمی کند؛ اما در صورتی که با فشار و اجبار همراه باشد، ممکن است حس سرخورده گی و بی فایده بودن ایجاد کند. خانجانی و محمودزاده (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند کودکان مادرانی که شاغل نبودند اما اشتغال بیرون از منزل را ترجیح می دادند (زنان خانه دار ناراضی)، مشکلات رفتاری بیشتری داشتند.

ب) زنانی که به دلیل تحصیلات بالاتر یا اجبار تحصیلی و کاری (مانند پزشکان) یا مشکلات خانوادگی و معیشتی نمی توانند محیط کار را ترک کنند و مجبورند از شیر خشک استفاده کنند، در خیلی مواقع دچار عذاب وجدان می شوند و همواره خود را سرزنش می کنند. آنها در این حالت دچار احساس گناه می شوند. به ویژه اگر در گروه شخصیتی با مسئولیت پذیری بالا قرار داشته باشند. همچنین این مادران به دلیل همین شرایط نامساعد حمایتی و فشار نقشی دچار خستگی جسمی و روحی می شوند که این امر در روابط خانوادگی و در نهایت سلامت جامعه تأثیر منفی زیادی دارد.

احساس گناه در برابر فرزند بیشتر بین زنان شاغل دیده می شود. این احساس گناه ناشی از دوگانگی در نقش های زنانگی و مادری از یک سو و نقش های اجتماعی و شغلی از سوی دیگر است. همین امر در تضعیف روحیه مادران و شیردهی آنان نقشی تعیین کننده دارد. احساس گناه مادر در شرایطی که از حمایت کافی برخوردار است و جایگزین مناسبی برای مراقبت از کودک وجود دارد، تا حدودی کاهش می یابد.

پژوهش های انجام شده نشان می دهند باورها، اعتقادات، آگاهی و اعتماد به نفس مادران نقش بسزایی در شیردهی آنان

۳) زمینه جامعه: اگرچه طی دو دهه گذشته تلاش‌های فراوانی برای ارتقای تغذیه با شیر مادر صورت گرفته است، با توجه به تغییرات به‌وجودآمده در زندگی مردم، نیاز فراوانی به بهبود وضعیت تغذیه با شیر مادر وجود دارد. رسانه‌ها از جمله تلویزیون، رادیو، مجلات و... در این زمینه نقشی تعیین‌کننده دارند. اگرچه در طی سال‌های اخیر قوانین افزایش مرخصی زایمان تصویب شده است، این قوانین در همه ادارات توسط کارفرمایان اجرا نمی‌شود. همچنین در طول روز امکان دسترسی به کودک و استفاده از پاس شیر برای شیردهی برای مادران شاغل وجود ندارد؛ از این رو، ایجاد تسهیلات لازم برای زنان شاغل برای شیردهی آسان مثل قراردادن اتاق شیردهی در اداره‌ها، قراردادن شیردوش برقی در اداره‌ها، ملزم کردن کارفرمایان به همکاری با مادران برای استفاده درست و به‌جا از پاس شیر و مدت مرخصی زایمان به مدت ۹ ماه، ضروری به نظر می‌رسد.

همچنین باید کارفرمایان و سازمان‌های مسئول در امر اشتغال، در گسترش اشتغال خانگی و با دستمزد برای زنان مبادرت کنند تا هم نیاز زنان به استقلال مالی برطرف شود و هم از نقش مادری خود فاصله نگیرند. به‌ویژه برای زنانی که بدسرپرست یا بی‌سرپرست‌اند و امکان بهره‌مندی از مراکز نگهداری از کودک را هم به دلیل هزینه‌های بالا ندارند و در عین حال نیازمند داشتن درآمد برای گذران زندگی‌اند. از آنجا که امنیت شغلی به معنای پایداری در آن شغل برای مادران باردار و شیرده وجود ندارد، به نظر می‌رسد باید با فرهنگ‌سازی صحیح یا با فعالیت‌های خانگی این مسئله جبران شود تا زمان بهینه باروری زنان از دست نرود.

منابع

آبوت، پ. و والاس، ک. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشر نی.
ابوالقاسمی، ن. و مرقاتی‌خویی، ع. (۱۳۹۰). «شناسایی تعیین‌کننده‌های ترویج تغذیه با شیر مادر از دیدگاه پرسنل بهداشتی درمانی»، *مجله دانشکده بهداشت و*

عمیق و متناسب با دختران نوجوان و جوان نیاز است تا در درجه اول مشخص شود تعریف آنها از مفیدبودن چیست؟ و در درجه دوم بتوان نقش بسیار مهم و حساس مادری را که خالق هستی بر عهده زنان گذاشته است، برای اقشار مختلف جامعه تبیین کرد تا بدین وسیله دوباره جایگاه تربیتی مادری در نگرش جوانان احیا شود. این تفکر باید اصلاح شود که ماندن در خانه سبب بیهودگی و غیرمفیدبودن است.

ج) کوپر منبع بزرگ اضطراب زنان شاغل را تعارض و فشار روحی برآمده از اداره همزمان خانه و کار می‌داند. او این مفهوم را «زن حیران» می‌نامد و معتقد است زنان به مراتب بیش از مردان دچار تعارض تعیین اولویت‌های خانه و کار می‌شوند (کرد، ۱۳۹۱). تعارض نقش زمانی رخ می‌دهد که فرد باید به الزام‌های متضاد یک یا چند نقش پاسخ دهد (کوئن، ۱۳۷۲: ۷۸). خود این تعارض نقش سبب فشار نقش می‌شود. فشار نقش^۱ وضعیتی است که در آن فرد در انجام دادن نقشی که از او انتظار می‌رود دچار مشکل شود. از طرفی با توجه به مشکلاتی که اشتغال تمام‌وقت برای مادران به همراه دارد، می‌توان در گسترش و بهبود شرایط برای ایجاد اشتغال نیمه‌وقت یا اشتغال خانگی تلاش کرد. در صورت حمایت از چنین مشاغلی انگیزه‌های غیرمالی زنان از اشتغال که شامل حضور اجتماعی و داشتن پایگاه اجتماعی مشخص هم هست، برطرف می‌شود. در این صورت فشار و خستگی‌های مضاعف اشتغال از روی زنان برداشته می‌شود و در نقش مادری آنها هم خللی ایجاد نمی‌شود.

۲) زمینه خانوادگی: خانواده اولین بستر شکل‌گیری رفتارهای اعضای جامعه است. به‌طوری که در برنامه‌ریزی‌های کلان هر جامعه برای تغییر رفتار افراد باید از خانواده‌ها آغاز کرد؛ از این رو، باید برای تقویت رفتار شیردهی مادران شاغل، در جهت افزایش آگاهی اعضای خانواده به‌ویژه همسران تلاش کرد. در این زمینه برگزاری جلسات آموزشی و افزایش آگاهی آنان نسبت به شیر مادر و نقش حمایتی آنان، ضروری است.

¹ Role Strain

تغذیه با شیر مادر تا پایان دوسالگی و عوامل مؤثر بر آن از طریق سازه‌های مدل بزنف در شهر اصفهان»، *مجله تحقیقات نظام سلامت*، ش ۲، ص ۵۷-۶۸.

حاج‌باقری، م. (۱۳۸۵). *روش تحقیق کیفی*، تهران: بشری. حاجیان، ک. (۱۳۸۰). «بررسی الگوی شیردهی مادران در شهرستان بابل»، *پژوهش در پزشکی*، ش ۴، ص ۲۱۱-۲۰۵.

خانجانی، ز. و محمودزاده، ر. (۱۳۹۲). «مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل»، *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ*، ش ۴، ص ۱۶، ص ۲۵-۳۶.

خیاطی، ف. (۱۳۸۶). «علل قطع زود هنگام شیردهی و انتظارات مادران شیرده از خانواده و جامعه در سندج»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، ش ۱۱، ص ۳، ص ۵۵-۴۵.

رستگارخالد، الف. (۱۳۸۵). «اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی»، *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، د ۱۳، ش ۱۹، ص ۴۰-۳۰.

ریترز، ج. (۱۳۷۷). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی. ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.

ساروخانی، ب. و قریب، م. (۱۳۹۳). «ساختار خانواده و تأثیر آن بر جایگاه سالمندان»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ش ۶، ص ۳، ص ۱۲-۲۴.

سفیری، خ. و زارع، ز. (۱۳۸۵). «احساس ناسازگاری میان نقش‌های اجتماعی و خانوادگی در زنان»، *مجله مطالعات زنان*، ش ۴، ص ۲، ص ۴۶-۳۴.

سلطانی، ر.؛ میردورقی، ف. و بهرامی، ب. (۱۳۹۱). «رواسازی و بررسی اعتبار مقیاس چندبعدی اضطراب کودکان»، *مجله روان‌شناسی کاربردی*، ش

انستیتو تحقیقات بهداشتی، ش ۹، ص ۴، ص ۷۰-۳۸.

اتوکلاینبرگ، الف. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: علمی-فرهنگی.

احمدنیا، ش. و کامل، آ. (۱۳۹۶). «زنان سرپرست خانوار در تهران»، *رفاه اجتماعی*، ش ۶۵، ص ۱۳۵-۱۰۳.

احمدی‌فراز، م.؛ عابدی، ح. و آذربزین، م. (۱۳۹۳). «تیین تجارب زنان شاغل پیرامون نقش مادری»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ش ۳، ص ۵۰-۴۶.

استراوس، آ. و کوربین، ج. (۱۳۷۷). *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

اسماعیل‌زاده، الف.؛ میزاییان، س.؛ فخاری، م.؛ حسینی، ر. و حسن‌زاده، الف. (۱۳۹۰). «ارتباط مدت زمان تغذیه با شیر مادر و شیوع اضافه‌وزن و چاقی در نوجوانی»، *مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران*، ش ۶، ص ۲، ص ۷۴-۶۵.

الهی‌دوست، س.؛ ربانی، ع. و شمس، ب. (۱۳۹۲). «زنان، مادری و شیردهی»، *مجله پژوهش‌نامه زنان*، ش ۴، ش ۱، ص ۳۸-۱.

ایمان، م. (۱۳۸۸). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پروچسکا، ج. و نورکراس، ج. (۱۳۸۹). *نظریه‌های روان‌درمانی*. ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: رشد.

پیمان، ن. و چارچیجان‌خراسانی، الف. (۱۳۹۵). «تیین تجربیات مادران در مورد تغذیه انحصاری با شیر مادر در شهر مشهد: یک تحقیق پدیدارشناسی»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، د ۸، ش ۳، ص ۴۰۴-۳۹۵.

جمشیدی، ف. (۱۳۸۱). «ضرورت اجتماعی اشتغال زنان»، *مجله کار و جامعه*، ش ۴۶، ص ۶۰-۴۵.

چرکزی، ع.؛ میرانیز، ز. و رزاق‌نژاد، آ. (۱۳۸۹). «وضعیت

- ۶، ص ۲۳-۷. وفا، م؛ افشاری، ش؛ مصلحی، ن؛ صالحی‌پور، الف. و حسینی، ف. (۱۳۸۷). «نوع تغذیه دوران شیرخوارگی و همبستگی آن با دوران کودکی در دانش‌آموزان ابتدایی»، *مجله غدد درون‌ریز و متابولیسم ایران*، ش ۵، ص ۵۱۲-۵۰۵.
- Belintxon, M. Zaragüeta, M. C. Adrián, M. C. & López-Dicastillo, O. (2011) "Initiating Breastfeeding: Experiences of First-Time Mothers". *An Sist Sanit Navar*, 34 (3): 409-418.
- Farymany, M. (2002) "Evaluation of The Relationship between Kind of Delivery and Success in Breastfeeding." *Hamadan University of Medical Sciences Journal*, 9(1): 261-268.
- Giddens, A. (2006) *The Consequences of Modernization*. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Markaz.
- Hakim, C. (2000) "Lifestyle Preferences as Determinants of Women's Differentiated Labor Market Careers." Available at: <http://wox.sagepub.com>.
- Mohamad-Beigy, A. Mohamadsalhy, N. & Bayati, A. (2008) "Pattern of Exclusive Breast Feeding in Infants Referred to Health Centers of Arak". *Gilan University of Medical Sciences Journal*, 18(70): 17-25.
- Rippeyoung, P. & Noonan, M. (2012) "Is Breastfeeding Truly Cost Free? Income Consequences of Breastfeeding for Women." *American Sociological Review*, 77 (2): 244-267.
- Sheikhi, M. (2003) *Sociology of Women and Family*. Tehran: Public Joint Stock Company.
- Spiby, H. McCormick, F. Wallace, L. Renfrew, M. J. D'Souza, L. & Dyson, L. (2007) "A Systematic Review of Education and Evidence-Based Practice Interventions with Health Professionals and Breast Feeding Counsellors on Duration of Breast Feeding Midwifery." *Journal of Midwifery*, 25(1): 50-61.
- Stewart-Glenn, J. (2012) *I've Accomplished Something Here. The Lived Experience of Employed Breastfeeding Mothers: A Phenomenological Analysis*. The University of Tennessee, Knoxville. Nursing Publications other Works.
- Zafar, N. & Gavino, M. (2008) "Breastfeeding and Working Full Time Experiences of Nurse Mothers in Karachi, Pakistan." *International Journal of Caring Sciences*, 1(3): 132-139.
- علاسوند، ف. (۱۳۹۰). *زن در اسلام*، قم: هاجر.
- عنایت، ح. و پرنیان، ل. (۱۳۹۲). «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، *فصلنامه جامعه‌شناسی زنان*، ش ۱۴، ص ۱۳۶-۱۰۹.
- قطبی، م. (۱۳۸۷). «مقایسه الگوی شیردهی مادران شاغل و خانه‌دار»، *پژوهش در پزشکی دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۲، ص ۱۶۴-۱۵۹.
- کرد، م. (۱۳۹۱). «بررسی تجربه دیران زن از ایفای همزمان نقش کار-خانواده و تأثیر آن بر چگونگی تدریس آنها»، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اجتماعی روان‌شناسی زنان*، س ۱۰، ش ۱، ص ۵۰-۳۴.
- کلانتری، ن. و شناور، ر. (۱۳۸۹). «ارتباط چاقی و اضافه‌وزن کودکان اول دبستان شهر شیراز با الگوی تغذیه با شیر مادر، وزن هنگام تولد و وضعیت اقتصادی-اجتماعی»، *مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران*، س ۵، ش ۳، ص ۷۰-۵۶.
- کلشادی، ر. و هاشمی‌پور، م. (۱۳۸۴). «نقش تغذیه با شیر مادر در پیشگیری از چاقی کودکان»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، ش ۳۵، ص ۱۲۰-۱۰۱.
- کوئن، ب. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- مجلی، م؛ بصیری‌مقدم، م. و شمشیری، م. (۱۳۸۸). «تأثیر محیط آموزشی و عوامل مرتبط بر عملکرد شیردهی مادران»، *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی گناباد*، د ۱۶، ش ۱، ص ۹۰-۶۸.
- محمدپور، الف. (۱۳۹۰). *ضد روشن: روش‌شناسی کیفی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- نیک‌پور، ص؛ رحیمیان، ش. و شکرایی، ش. (۱۳۸۸). «ارتباط بین مدت زمان شیردهی با ابتلا به لوسمی حاد در کودکان»، *مجله غدد درون‌ریز و متابولیسم ایران*، ش ۷، ص ۶۳۳-۶۱۰.

Analysis of the Lived Experiences of Women Who Are Breast-Feeding and Employed in the Workplace

Saeedeh Yaraghi.

*MA. in Women Studies, University of Isfahan, Iran**

Saide Elahidot

MA. in Women Studies, University of Isfahan, Iran

Ali Rabbani Khorasghani

Professor, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Iran

**Corresponding author, e-mail: S.yaragh@yahoo.com*

Introduction

With the advent of the modern world and the prevalence of modernity Women's employment has become a challenging issue. So that some said, The presence of women in the community has led to the growth of women and society and some of the researchers said women's employment are a factor in the removal of mothers from marital and maternal duties. Having a mother with a child's birth finds meaning and the mother's nourishment will cause the baby and the mother to develop physically and mentally. On the other hand, in recent years, the increase in women's education and the subsequent employment of women has made women's employment in our country a social issue and a serious challenge. This article seeks to examine the experiences of women living in Isfahan in breastfeeding laws.

Material & Methods

To the view of these women about employment and lactation. The method used in this research is qualitative and in the method of phenomenology. For this purpose, 16 employed married women with purposeful sampling were selected through purposeful sampling. And they were interviewed deeply. What they got from their interviews were classified in 256 code descriptions. Of these descriptive codes, 24 code assignments were categorized. Finally, 6 explanatory codes were extracted. These explanatory codes include: "Supporting family, job patterns, personality patterns, mother alternatives, work-family activities and non-supporting workplaces."

Discussion of Results & Conclusions

What was obtained from this 6 coding shows most contributors have had a positive attitude toward their employment. But on the other hand, there are limits to maternity and lactation at work. The mothers in this study believe that the rules of lactation in the work environment are not properly observed. On the other hand, since there is no suitable space for keeping children in the workplace, the high distance between the workplace and the child's place of residence makes

mothers virtually unable to use milk pass. Moms often refer to short maternity leave. Mother must return to the work environment where the child is still dependent on the mother and fed with breast milk. On the other hand, the mother faces physical weakness due to delivery and lactation. And this leads to a reduction in breast milk and, in some cases, to discontinue breastfeeding. In this study, mothers often refer to the role of husband's support as a factor in the success of breastfeeding. That is, mothers who have been exclusively breastfed, their husband has been involved in breastfeeding and home affairs. The relationship between the spouses as a factor in the creation of maternal tranquility plays a crucial role in breastfeeding. In mothers who have had a cold emotional relationship with spouses or with violence from their spouses, they have encountered difficulties in lactation the study found that grandmothers play a decisive role in breastfeeding. So that their physical and mental support from mother to child encourages motherhood and increases lactation in mothers. In general, most mothers who can successfully complete the lactation period have adequate support. Guilty feelings about a child are often seen among working women. This guilty sense of duality in the roles of

femininity and motherhood on the one hand has social and occupational roles on the other. This can have a decisive role in undermining the mothers' morale and lactation. The feeling of guilty sentiment was somewhat diminished if it had adequate support and a good alternative to child care. Research has shown that mother's beliefs and knowledge and mother's confidence play an important role in breastfeeding mothers. The mothers who participated in this study had high beliefs and beliefs about breastfeeding and the lack of use of infant formula. And this makes the mothers bear the hardships.

Keywords: Employment of Women, Breastfeeding, Work-Family Conflict, Qualitative Methods, Rules Breastfeeding

References

- Abbot, P. Wallace, C. (2006) "Women's Sociology", Translated by: Najm Iraqi, M. Tehran: Nei Press.
- Abolqasemi, N. Morghati Khoiy, Ch. (2011) "Identification of Determinants of Breastfeeding Promotion from the Point of View of Health Care Personnel". *Journal of School of Public Health and Institute of Public Health*, 9(4):33-42. (In Persian).
- Ahmadi Faraz, M. Abedi, H. Azarbarzin, M. (2014) "Explaining Employed Women's Experiences on Maternal Role: A Qualitative Phenomenological Study." *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 3(2): 137- 148. (In Persian).
- Ahmad Nia, Sh. (2004) "Investigating the Impact of Women's Employment on Women's Health". *Journal of Social Welfare*, 12: 178-157. (in Persian)
- Alasvand, F. (2011) "Woman in Islam". Qom: Hajar Press.
- Baker, M. Milligan, K. (2008) "Maternal Employment, Breastfeeding, and Health: Evidence from Maternity Leave Mandates". *Journal of Health Economics*, 27: 871-887.
- Belintxon, M. Zaragüeta, M. C. Adrián, M. C. López-Dicastillo, O. (2011) "Initiating Breastfeeding: Experiences of First-time Mothers": An Sist Sanit Navar.
- Cherkzai, A. Miraniz, Z. Rosaghan, A. (2010) "The Status of Breastfeeding by the End of Mmodel in Isfahan." *Journal of Health Systems Research*, 6(2) : 236-226. (In Persian).
- Coen, B. (2000) "The Basics of Sociology", Translation by Tavassoli, Gh. Tehran: Samt press.
- Elahidoost, S. Rabbani, A. Shams, B. (2013) "Women, Maternity and Breastfeeding." *Journal of Women's Research*, 4(1): 3-38. (In Persian).
- Farymany, M. (2002) "The Relationship Between Kind of Delivery and Success In Breastfeeding." *Journal of Hamadan University of Medical Sciences*, 1: 47-58. (In Persian).
- Hakim, C. (2000) *Lifestyle Preferences as Determinants of Women's Differentiated Labor Market Careers*. <http://wox.sagepub.com>.
- Giddens, A. (2007) "Sociology". Translated by Chavoshian, H. Tehran: Ney press.
- George, R. (1998) "Theories of sociology in contemporary times". Tehran: science press.
- Hajbagheri, M. (2007) "Research Methodology", Tehran: Bashari Publishing.
- Ismailzadeh, A. Mirzaeean, S. (2011) "Relationship Between Breastfeeding Time and the Prevalence of Overweight and Obesity in Adolescents," *Journal of Nutrition Sciences and Food Industry of Iran*, 6(2): 74-65. (In Persian).
- Iman, M. (2009) "Qualitative Research Methodology.Qom" : Research Institute of Hauzeh and University press.
- Jamshidi, F. (2002) "The Social Needs of the Employment of Women in Work and Society," *Journal of Scientific and Cultural Socio-Economic*, 6: 45-6 (In Persian).
- Kalantari, N. Shenavar, R. Rashidkhani, B. (2010) "The Relationship Between Obesity and Overweight in Primary School Children of Shiraz City With Breastfeeding Pattern, Birth Weight and Socioeconomic Status." *Journal of Iranian Nutrition and Food Technology*, 5(3):19-28. (In Persian).
- Kelishadi, R. Hashemi Pour, M. Famori, F. (2005) "The Role of Breastfeeding in Preventing Obesity in Children." *Journal of Qazvin University of Medical Sciences*, 35(3): 87-95. (In Persian)
- Khanjani, Z. Mahmoudzadeh, R. (2013) "Comparison of Parenting Practices and Behavioral Abilities of Children in Working and Non-Employed Mothers", *Journal of Women's Proceedings*, 4(16) : 25-36. (In Persian).
- Khaiati, F. (2007) "Causes of Early Breast-Feeding Breastfeeding and Expectations of Breastfeeding Mothers from Family and Society in Sanandaj", *Journal of Qazvin University of Medical Sciences*, 3:45-55. (In Persian).
- Kurd, M. (2012) "A Study of the Experiences of Female Secretaries From the Simultaneous Role of the Work-Family and its Impact on How They Teach." *Journal of Psychology Social Studies Social Psychology*, 10(1):125-148. (In Persian).
- Majli, M. Basiri Moghadam, M. Shamshiri, M. (2009) "The Effect of Educational Environment and Related Factors on Mothers' Breastfeeding."

- Journal of Gonabad University of Medical Sciences*, 16(1): 59-65. (In Persian).
- Mohammadpour, A. (2010) "Qualitative Methodology". Tehran: Sociologists press.
- Mohamad- Beigy, A. Mohamadsalhy, N. Bayati, A. (2008) "Pattern of Exclusive Breast Feeding in Infants Referred to Health Centers of Arak." *Journal of Gilan University of Medical Sciences*, 70: 17. (In Persian).
- Nikpour, S. Rahimian, Sh. Shakra, F. (2009) "The Relationship Between Lactation Duration and Acute Leukemia in Children." *Journal of Iranian Endocrinology and Metabolism*, 11 (2): 190-185. (In Persian).
- OttoClanburg, A. (2008) "Social Psychology", Translated by Kardan, A. Tehran : Scientific Cultural Press.
- Qotbi, F. (2008) "Comparison of Breastfeeding Pattern in Employed and Housewife Mothers." *Journal of Faculty of Medicine*, 32(2):164-159. (In Persian)
- Peyman, N. Charkhchian Khorasani, E. (2016) "Explaining Mothers Experiences in Breastfeeding Exclusive in Mashhad: A Phenomenological Study". *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*, 8(3): 404-395. (In Persian).
- Procheska, C. Norecraz, C. (2010) "Theories of Psychotherapy". Translated by Seyyed Mohammadi, Y Tehran: Roshd press.
- Rastgar Khalid, A. Dolari, M. (2012) "The Evolution of Girls' Attitude Toward Mother Role", *Journal of Maternal Articles*, 13(19):30-40. (In Persian).
- Rastgar Khalid, A. (2006) "Women's Employment and the Necessity of Controlling the Pressures of Manufacturing.", *Journal of Science and Research Shahed University*, 13(19):33-50. (In Persian).
- Safiri, Kh. Zare, Z. (2006) "The Feeling of Incompatibility Between Social and Family Roles in Women." *Journal of Women Studies*, 4(2):47-70. (In Persian).
- Saroukhani, B. (2000) "Family Sociology". Tehran : Soroush Press.
- Saroukhani, B. Qarib, M. (2013) "Family Structure and its Effect on the Status of the Elderly." *Journal of Social Development Studies*, 6(3): 32-21. (In Persian).
- Severson, M. (2012) "Overcoming Breastfeeding Challenges: A Qualitative Inquiry." *Journal of Clinical Lactation*, 3(4): 155-160.
- Soltani, R. Mirdverghi, F. Bahrami, B. (2012) "Validation and validation of Multidimensional Children's Anxiety Scale", *Journal of Applied Psychology*, 6: 7-23.
- Sheikhi, M. (2003) "Sociology of women and family". Tehran: Company press.
- Stewart-Glenn, J. (2012) "I've Accomplished Something Here The Lived Experience of Employed Breastfeeding Mothers" : A Phenomenological Analysis. Nursing Press.
- Strauss, A. Corbin, J. (1998) "Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, Thousand Oaks", CA: Sage
- Streubert, H. (2013) "Qualitative Research in Nursing". Translated by Khachian, A. Tehran : salemi press.
- Wafa, M. Afshari, Sh. Moslehi, N. (2008) "Nutrition Type of Infancy and Its Correlation with Childhood Obesity in Elementary School Students in Tehran." *Journal of Endocrinology and Metabolism*, 12(5): 512-505. (In Persian)
- Zafar, N. Gavino, M. (2008) "Breastfeeding and Working Full Time Experiences of Nurse Mothers in Karachi, Pakistan". *Journal of International Caring Sciences*, 1(3):132-139. (In Persian).

